

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه جمعه

حضرت امیر المؤمنین

سیدنا میرزا مسرور احمد ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزیز

خلیفہ پنجم حضرت مسیح موعود و امام مہدی علیہ السلام

ایراد شدہ در ۱۴ آوریل ۲۰۲۳ مصادف با ۲۵ فروردین ۱۴۰۲

حضرت خلیفہ پنجم مسیح ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزیز پس از تلاوت  
تشہد، تعوذ و سورہ فاتحہ فرمودند:

لا الہ الا اللہ عقیدہ ای است کہ اساس وحدانیت خدا را تشکیل می‌دهد.  
پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم می‌فرمایند: «خداوند آتش را بر  
کسی کہ لا الہ الا اللہ را برای رسیدن بہ رضای او اعلام کند، حرام کردہ  
است. از این رو، هنگامی کہ برای جلب رضای خداوند متعال، با میل بہ  
جلب توجہ و تسلیم در برابر او و معطوف ساختن تمام توجہ خود بہ او، لا  
الہ الا اللہ، اعلام می‌کند دریافت کنندہٗ افضال خداوند می‌شود. نعمت‌های  
خداوند متعال و همانطور کہ پیامبر اکرم صل اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمودند:  
”خداوند آتش را بر آنان حرام می‌کند. “در جای دیگر فرمودند: ”خداوند  
متعال آتش جہنم را بر آنان حرام خواهد کرد. “این همان تعلیماتی است  
کہ توسط تک تک پیامبران تعلیم و حمایت شدہ است.

پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم در یک مورد می‌فرماید: «بزرگترین  
سخنی کہ من و پیامبران پیش از من گفته ایم این است کہ خدایی جز اللہ  
نیست، او یگانه است و شریکی ندارد». بنابراین، این تعلیم ہمہ پیامبران

بود. اما جای تأسف است که همان کسانی که انبیا این معارف را برایشان آورده اند، کسانی هستند که با فراموشی آن، چه عمداً و چه غیر از آن، آن را وسیله شریک برای خدا قرار داده اند. آنها اصل واقعی آموزه‌های خود را فراموش کرده اند. سعادت‌مندیم که خداوند متعال ما را جزء امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار داده و به ما تعلیم کاملی عطا فرموده که شرک را به کلی ریشه کن می‌کند و با آموختن درس واقعی توحید خداوند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ما را برای آراستن زندگی دنیا و آخرت خود قرار داده است.

پس هر کس اکنون به تعالیم حقیقی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عمل کند و با اخلاص یگانگی خدای متعال را اعلام کند، مشمول الطاف خداوند متعال و شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خواهد بود. در این باره در روایتی آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «خوشبخت‌ترین قوم من در شفاعت من کسی است که با قلب خالص و نفس حقیقی شهادت دهد که او یگانه است و شریکی ندارد. پس سزوار شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کسی است که لا اله الا الله را خالصانه اعلام کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر خاتم و کاملی اند که خداوند متعال به ایشان حق شفاعت داده است. ایمان به او نیز باید بر اساس دستورات خداوند متعال باشد و خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این مقام را چنین بیان کرده اند: «کسی که با قلب خالص لا اله الا الله را اعلام کند که معبودی جز الله نیست و محمد فرستاده اوست، خدای تعالی آتش را بر آنان حرام می‌کند». در روایت دیگر فقط لا اله الا الله و در روایت

دیگر محمد رسول الله نیز آمده است. پس شهادت و اقرار به وحدانیت خداوند بدون پذیرش پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم به عنوان پیامبر خاتم و کامل غیر ممکن است. اوست که از بین بردن کامل شرک در میان قومش خبر داد. خداوند متعال و رسولش از هر کس که حتی ذره ای اظهار شرک کند، اعلام بیزاری فرموده اند. با این حال، در میان مسلمانان چنین افرادی ظاهر شده اند که مرتکب چنین شرک پنهانی می شوند که خداوند متعال و پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم آن را بشدت از آن نهی کرده است.

ما احمدی‌ها خوشبختیم که خداوند متعال به ما توفیق داده است که امام زمان و غلام حقیقی رسول اکرم صل الله علیه و آله وسلم را بپذیریم که دستورات اسلام را تبیین کرده و ما را به حکمت عمیق ایشان آگاه ساخته اند. آنجا که در مورد لا اله الا الله ما را به تفصیل خبر داد، مراتب بزرگواری پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم را نیز به ما آموختند.

در این رابطه اکنون گزیده‌هایی از حضرت مسیح موعود علیه السلام را ارائه می‌کنم که به زیبایی این موضوع را روشن می‌کنند و توجه ما را به این موضوع جلب می‌کنند که چگونه باید خود را در حین درک دقیق این موضوع تحلیل کنیم.

حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند:

”خداوند متعال خودش **الیوم اکملت** را توضیح داده است که «امروز دین شما را کامل کردم.» سه نشانه از این باید به اندازه کافی برآورده شود. (نشان‌ها را بیان می‌کردند که اولی اش این است) [أَصْلُهَا ثَابِتٌ] «ریشه اش محکم است» دومی [فَرَعُهَا فِي السَّمَاءِ] «شاخه اش سر به آسمان دارد» سوم،

[تَوْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا] «میوه خود را همیشه به بار می‌آورد» از این رو، تنها دین اسلام است که این معیار را برآورده می‌کند.

در هر حال، حضرت مسیح موعود علیه السلام ضمن توضیح بیشتر اولین نشانه ایمان [لَا إِلَهَ إِلَّا لَأ] یعنی [أَصْلُهَا ثَابِتٌ] «که ریشه محکم است» می‌فرمایند:

”اصل ایمان که مربوط به اولین نشانه است - منظور از کلمه [لَا إِلَهَ إِلَّا لَأ] است. در قرآن کریم به قدری متذکر شده است که اگر تمام ادله در اثبات آن را بنویسم، حتی بعد از نوشتن بخش‌های زیادی تمام نمی‌شود، [کتابهای زیادی بر آن نوشته می‌شود] ولی می‌نویسم. در اینجا کمی در زیر، به عنوان مثال.

خداوند متعال در جزء دوم قرآن کریم در سوره دوم آن سوره بقره می‌فرماید:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.

آری در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و در کشتی‌ای که برای بهره‌وری مردم در دریا روان است، و آبی که خداوند از آسمان فرو فرستاده است و بدان زمین را پس از پژمردنش زنده داشته و جانورانی که در آن پراکنده است، و در گردش بادها و در ابری که بین آسمان و زمین آرمیده است، برای مردمی که می‌اندیشند، شگفتی‌هاست.

حال، بنگر که چگونه خداوند سبحان در این آیه به نفع این اصل ایمانی خود، از قانون فطرت خود استدلال کرده است - لا اله الا الله لا را ثابت کرده و از قانون طبیعت دلیل آورده است. به عبارت دیگر، از مخلوقات او که در آسمان و زمین یافت می‌شود - با نگاهی به آنها، با توجه به مقصود این آیه شریفه، به وضوح معلوم می‌شود که بدون شک، خالقی ازلی وجود دارد. از این دنیا که کامل است و یگانه و بدون شریک و ناظر بر آنچه به اراده او هست و فرستاده کننده رسولانش به دنیا.

دلیل این امر این است که همه این مخلوقات خداوند متعال و این نظام هستی که ما در برابر چشمان خود می‌بینیم، به وضوح به ما می‌گوید که این جهان به خودی خود به وجود نیامده است، بلکه یک مبدع و یک وجود دارد. آفریدگاری که بالضروره باید این صفات را داشته باشد - این که باید بخشنده و توانا و یگانه بدون شریک و ازلی و جاودانه و به اراده خود ناظم باشد و همچنین صاحب همه صفات کامل. و آن که وحی خود را نیز نازل می‌کند.

بنابراین، لا اله الا الله نه تنها اندیشه خدای واحد را در قلب انسان القا می‌کند، بلکه این فکر را تقویت می‌کند که پروردگار ما یکی است که از ازل وجود داشته است. او خالق همه چیز است و تمام نظم عالم به اراده او است. ما باید برای تمام نیازهایمان به سوی او رجوع کنیم. وقتی انسان این درجه از ایمان را به او القا می‌کند، این همان چیزی است که به آن ایمان کامل می‌گویند که عاری از آلودگی بت پرستی است. این همان درجه ایمان است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند که اگر با صداقت

کامل به لا اله الا الله ایمان داشته باشد، آتش جهنم بر چنین فردی حرام می‌شود.

در ادامه حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند:

”علاوه بر این، در مورد **کمک طلبی** [استعانت] باید به خاطر داشت که در حقیقت این خداوند متعال است که سزاوار استغاثه است. [اگر از او کمک می‌خواهند یا کمک می‌کنند، این حق را فقط خدای متعال دارد. خداوند متعال تنها موجود کاملی است که باید از او کمک گرفت. هیچ کس دیگری این حق را ندارد و قدرت ندارد] این همان چیزی است که قرآن کریم بر آن تأکید می‌کند. بدین ترتیب خداوند متعال می‌فرمایند: **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ**

”تنها تو را می‌پرستیم و تنها تو را یاری می‌طلبیم.“ اولاً خداوند متعال صفات خود را بیان می‌کند؛ «رب» «رحمن» «رحیم» و «مالک یوم الدین» سپس موارد زیر را به ما آموخت:

یعنی، تنها تو را می‌پرستیم و از تو یاری می‌جوییم. [یعنی برای عبادت خداوند از او یاری می‌جوییم. بدون یاری خدا نمی‌توانیم عبادت را انجام دهیم] از اینجا می‌آموزیم که حق استغاثه از اختیارات خداوند متعال است. هیچ انسانی؛ هیچ حیوانی، خواه حیوان یا پرنده؛ هیچ مخلوقی، چه در آسمان و چه در زمین، این حق را ندارد. با این حال، به معنای جزئی، به عنوان انعکاس خداوند، این حق به افراد مقدس و مقدسات خدا داده می‌شود. [ما به دعای آنها کمک می‌کنیم.] ما نباید از خود اختراع کنیم، بلکه باید در حدود اوامر خدا و رسول الله صل الله علیه وآله وسلم بمانیم، این صراط المستقیم است.

این نکته را از موارد زیر نیز می‌توان فهمید: لا اله الا الله محمد رسول الله  
هیچ کس جز الله لایق پرستش نیست و محمد رسول الله است. قسمت  
اول این مطلب روشن می‌کند که انسان باید خدای متعال را به تنهایی  
محبوب و شایسته پرستش و هدف خود بداند.  
بخش دوم عقیده مسلمانان بیانگر حقیقت عمیق تر نبوت حضرت محمد ﷺ  
است.

حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند :

”از بدو تولد انسان و تا زمانی که از جهان غایب شود، قانون الهی این بوده  
است که خداوند از توحید یا یگانگی خود حمایت می‌کند. هدف همه  
پیامبران مبعوث این بود که عبادت انسان و سایر موجودات را از بین ببرند و  
عبادت خدا را در جهان تثبیت کنند. وظیفه آنها این بود که لا اله الا الله را  
در زمین چنان بدرخشند که در آسمان می‌درخشد. بنابراین بزرگترین آنها  
کسی است که این فرمول را با چنین درخشندگی برجسته کرد. که ابتدا  
ناتوانی خدایان دروغین را برملا کرد و بی‌اهمیت بودن آنها را به دلیل عقل و  
قوت ثابت کرد و بعد از آن که همه چیز را ثابت کرد، وصیت نامه را به  
عنوان نماد پیروزی قاطع خود گذاشت.

او لا اله الا الله لا را به عنوان یک ادعای اثبات نشده تلفظ نکرد، بلکه او  
ابتدا آن را ثابت کرد و خطاهای عقاید نادرست را آشکار کرد و سپس با  
دعوت از مردم اعلام کرد: «ببینید، خدایی جز او نیست که تمام توان شما را  
از بین برده و غرور شما را در هم شکسته است». با یادآوری یک حقیقت  
ثابت، به کلمه مبارکه لا اله الا الله محمد رسول الله تعلیم داد:

در جریان فتح مکه، هزاران بت پرست برتری لا اله الا الله را مشاهده کردند. وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از ابوسفیان پرسید: آیا هنوز حقیقت لا اله الا الله بر تو روشن نشده است؟ او پاسخ داد: ”الان کاملاً فهمیدم که اگر خدایی جز خدا بود، به کمک ما می‌آمد. ما ۳۶۰ بت در اطراف کعبه قرار داده‌ایم که می‌پرستیم، لاقلاً برخی از آنها باید ما را یاری می‌کردند.“

حضرت مسیح موعود علیه السلام در پاسخ به مخالفی فرمودند:

”گفتار شما کاملاً درست است که این تعالیم پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم است که گناهان با تصدیق لا اله الا الله برطرف می‌شوند. این کاملاً صحیح و حقیقت است. ما ادعا می‌کنیم که گناهان برطرف می‌شوند، این صحیح است.“

این یک واقعیت است که هر کس به خدا یکتا و بدون شریک ایمان آورد و محمد برگزیده ﷺ را همان قادر مطلق مبعوث کرد، اگر در این ایمان بمیرد، بی‌شک رستگاری خواهد یافت. در زیر آسمان‌ها با خودکشی هیچکس رستگاری نیست [در مرگ هیچکس رستگاری نیست و حتی اگر کسی به خاطر تو بمیرد نجاتی نخواهد بود. همانا با اعلام کلمه به رستگاری می‌رسند و هیچ کس دیوانه‌تر از کسی نیست که چنین می‌اندیشد] که نمی‌تواند از کلمه نجات یابد. اما ایمان داشتن به خدا به عنوان یگانه و بدون شریک [باید در این مورد تأمل کرد، این چنین نیست که به زبان ساده اقرار کنیم] بلکه ایمان آوردن به خدا به عنوان یگانه بدون شریک و آنقدر رحیم که به رحمت عظیم او برای نجات عالم از گمراهی، رسولش را فرستاد که نامش محمد است، عقیده ای است که با تمسک به آن تاریکی‌های نفس زدوده می‌شود و ایمان به یگانگی خدا جای نفس را می‌گیرد. در پایان، خیزش

عظیم وحدت در تمام قلب گسترش می‌یابد و زندگی بهشتی در همین جهان آغاز می‌شود. (باید درک کنیم که واقعیت پشت کلمات لا اله الا الله چیست، پس از آن، شخص از همین زندگی شروع به رسیدن به بهشت می‌کند.) همانطور که مشاهده می‌کنید که با ظهور تاریکی روشنی ناپدید می‌شود، به همین ترتیب، زمانی که انعکاس روشن لا اله الا الله بر دل می‌افتد، شورهای تاریک نفس ناپدید می‌شوند. اصل گناه این است که در هوس‌های نفسانی غوغایی به وجود می‌آید که با تسلیم شدن آن شخص را گناهکار می‌نامند و معنای لا اله الا الله که از معانی مختلف آن در فرهنگ عرب به دست می‌آید این است که:

لا اله الا الله یعنی «هیچ کسی نیست که بخواهد یا دوست داشته شود یا او را پرستش کنند و یا از او اطاعت کنند جز خدا

وقتی این حالت در انسان ایجاد شد، به راستی که این زندگی به بهشت تبدیل می‌شود و ابزار بخشش او در همین زندگی آشکار می‌شود.

حضرت مسیح موعود علیه السلام در توضیح بیشتر عقیده اسلامی لا اله الا الله می‌فرمایند:

”در حقیقت، خداوند متعال احکام فراوانی فرموده است. برخی از آنها به گونه ای است که همه نمی‌توانند در آنها شرکت کنند، مثلاً؛ حج بر کسی است که وسیله آن را داشته باشد. (بدون قید و شرط حج بر تک تک افراد واجب نیست) پس در راه [حج] امنیت باشد، این هم شرط حج است. به همین ترتیب، یک شخص باید اطمینان حاصل کند که خانواده خود در زمان غیبت از تمهیدات لازم برخوردار هستند. (کسی باید اطمینان حاصل کند که اعضای خانواده آنها که در خانه مانده اند، غذا و نوشیدنی و غیره

دارند. اینطور نیست که به حج برود و آنها را از گرسنگی رها کند). زکات نیز به همین صورت است. فقط کسانی زکات می‌دهند که حداقل توان زکات را داشته باشند. فقط کسانی می‌پردازند که مستحق پرداخت اند. همین طور گاهی اوقات در نماز تغییرات خاصی ایجاد می‌شود، مثلاً اگر شخصی در سفر باشد یا حالش خوب نباشد کوتاه یا جمع می‌شود. اما یک جنبه [اسلام] است که هیچ تغییری در آن وجود ندارد و آن اعلامیه دین اسلام لا اله الا الله است. این جوهر واقعی است و همه چیزهای دیگر آن را کامل می‌کنند. توحید [اعلام یگانگی خدا] بدون عبادت کامل نمی‌شود. (اگر عبادت نکند توحید ناقص می‌ماند و نمی‌توان حق عقیده را ادا کرد) یعنی آن که لا اله الا الله را اعلام می‌کند، تنها زمانی در اعلان خود راست می‌گوید که با اعمال خود ثابت کند که وجود دارد. هیچ کس مورد علاقه، یا محبوب و پرستیده شدن جز خدا نیست.

پس این شرط ایمان است؛ صرف اعلامیه شفاهی کافی نیست. اگر کسی لا اله الا الله می‌خواند، باید این را با عمل خود با التزام به دستورات خداوند متعال نشان دهد. با عبادت او و ادای حقوق خدا و خلق او. اینها دستور خداوند متعال است. به خاطر معشوق و کسی که در پی رسیدن به او هستیم، باید به احکام او پایبند باشیم، تنها در این صورت است که واقعاً به آن عمل می‌شود و ایمان خود را به لا اله الا الله تأیید می‌کند.

حضرت مسیح موعود علیه السلام فرموده اند که وقتی شخصی این حالت را به ایشان القا می‌کند و ایمان و عملشان این اظهار را نشان می‌دهد، در اظهارات خود نزد خداوند متعال دروغ نمی‌گویند. (وقتی کسی به این امر دست یافت، این چیز عالی است و نمی‌توان او را باطل تلقی کرد). تمام

مادیات دنیوی، گویی که بود، می‌سوزد و کاملاً در ایمان خود غوطه ور و وقف می‌شدند. با اعلام: لا اله الا الله تمام خواسته‌های مادی می‌سوزد و تنها خدای متعال به عنوان آرزو و هدف و محبوب می‌ماند. این حالت اعتقاد است. در چنین حالتی است که وقتی بگوید: لا اله الا الله و محمد ﷺ بنده و رسول اوست که جزء دوم است. سپس به عنوان یک الگوی عملی عمل می‌کند، زیرا از طریق مثال‌ها می‌توان یک موضوع را به راحتی درک کرد. پیامبران برای تثبیت مصداق خود ظهور می‌کنند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مظهر همه برتری‌های نمونه‌های آن بزرگوار بود زیرا صفات همه انبیا در آن حضرت یافت می‌شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معنای واقعی لا اله الا الله را فهمیدند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اوامر خدای متعال را ارائه و عملاً به انجام رساندند و به تفصیل بیان کردند. ایشان الگوی کاملی اند و لا اله الا الله را در کامل ترین شکل خود ارائه کردند یا آن را در کامل ترین شکل خود به کار بردند.

سپس حضرت مسیح موعود علیه السلام ضمن توصیه به ما می‌فرمایند:

”بیعت ظاهری با یک راهنمای معنوی هیچ سودی ندارد و به سختی می‌توان از چنین بیعتی سودی به دست آورد. انسان زمانی واقعاً سود خواهد برد که نفس خود را رها کرده و با عشق و صمیمیت پایدار به این شخص دلبسته شود. (باید خود را با عشق و صمیمیت کامل به کسی که با او بیعت کرده اند دلبسته باشد و تنها در این صورت است که بیعت او سودمند خواهد بود). چون منافقین با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و عترت آن حضرت رابطه واقعی نداشتند، در نهایت بی‌ایمان ماندند (بیعت را ظاهراً انجام دادند) آنها از عشق خالص و صمیمیت خالی ماندند. و بنابراین، صرف

اعلام لا اله الا الله [هیچ کس جز خدا شایسته پرستش نیست] برایشان سودی نداشت. بنابراین، ایجاد این پیوندها بسیار مهم است. اگر پیرو این پیوندها را تقویت نکند و در این امر تلاشی نکند، هرگونه ابراز تأسف و تأسف بی‌مورد خواهد بود. باید با راهنمای معنوی خود رابطه محبت و صمیمیت را پرورش داد و تا آنجا که ممکن است رنگ روحیه خود را با ارباب خود، هم از نظر عمل و هم از نظر اعتقاد، تنظیم کرد.

باطن انسان به او نوید عمر طولانی می‌دهد، فکر می‌کند عمر طولانی دارد و هنوز جوان هستند اما این فریب است. نمی‌توان گفت که یک فرد چقدر عمر می‌کند. باید در تقوا و عبادت شتاب کرد و از صبح تا شام در باره خود محاسبه کرد که تا چه اندازه به لا اله الا الله پایبند است.

سپس حضرت مسیح موعود علیه السلام ضمن جلب توجه ما به درک معنای لا اله الا الله می‌فرمایند :

”هدف من این نیست که بگویم مسلمانان باید سست شوند (یعنی کلام را بخوانند و سپس تنبل شوند). اسلام کسی را تنبل نمی‌کند. شما باید به تجارت و کار هم بپردازید، اما من این را قبول ندارم که اصلاً برای خدا وقت نداشته باشید. (اگرچه لا اله الا الله می‌خوانند، غرق در کارهای دنیوی هستند و عدالت واقعی را در مورد آن رعایت نمی‌کنند). هنگامی که وقت تجارت فرا رسید، به تجارت مشغول شوید. اما حتی در آن صورت، ترس و هیبت خداوند متعال را در نظر داشته باشید تا حتی کسب و کار شما تبدیل به عبادت شود. وقتی وقت نماز شد، نماز را ترک نکن. در هر شرایطی، هر چه که باشد، دین را مقدم داشته باشید. (الزامی است که ایمان خود را تقدم داشته باشد. همچنین ما این را در عهد خود نیز اعلام می‌کنیم که ایمان

خود را بر جهان برتری دهیم). اجازه ندهید خود دنیا به هدف شما تبدیل شود. در عوض، دین باید هدف واقعی باشد که شما به دنبال آن هستید. وقتی این راه شما شد، حتی کارهای دنیوی شما نیز مذهبی تلقی می‌شود. به اصحاب بنگرید، حتی در سخت‌ترین زمان‌ها، خدا را رها نکردند. در زمان جنگ، وقتی شمشیر کشیده می‌شود، با چنان خطری مواجه می‌شود که حتی فکر کردن به این موضوع نیز انسان را مضطرب می‌کند. این زمان، زمان شور و غضب است، اما اصحاب در این حالت نیز هرگز از خدا روی گردان نشدند؛ نمازشان را ترک نکردند. در واقع آنها همچنان مشغول دعا بودند. بدبختی اکنون این است که مسلمانان از هر راه دیگری تلاش می‌کنند. سخنان فصیح می‌گویند، (درباره کلمه می‌گویند) برای پیشرفت مسلمانان مجالس برپا می‌کنند، اما آنقدر از خدا غافل هستند که حتی به اشتباه به او روی نمی‌آورند. وقتی وضع مسلمانان این است، چگونه می‌توانند امیدوار باشند که تلاششان به ثمر برسد، در حالی که این همه مادی‌گرا هستند؟ (از نام مسلمانان استفاده می‌کنند، اما تلاششان تماماً برای دستیابی به مادیات دنیوی و صرف استفاده از دین خداست). تا زمانی که کلمه لا اله الا الله دل و جان ما را سیراب نکند و تا ذره‌ای از وجود ما نورانی و تحت حکومت اسلام نباشد، هرگز پیشرفت حاصل نمی‌شود.

اگر می‌خواهیم موفق شویم، پس باید ماهیت لا اله الا الله را درک کنیم. به جای دنیا، ما باید خداوند متعال را هدف نهایی خود قرار دهیم.

سپس حضرت مسیح موعود علیه السلام با توجه به واقعیت عقیده مقدس [کلمه طیبه]، معانی آن و چگونگی درک و اجرای آن می‌فرمایند :

من در مناسبت‌های مختلف عرض کرده‌ام که فقط از مسلمان بودن ما و اعلام عقیده اسلامی خوشحال نباشید. کسانی که قرآن را تلاوت می‌کنند به خوبی می‌دانند که خداوند متعال هرگز به گفتار خشنود نمی‌شود و هیچ فضیلتی در اثر سخن ساده در درون انسان پدید نمی‌آید تا زمانی که حالت عملی فرد اصلاح شود. وزن، اعمال جوهره واقعی هستند. تا زمانی که وضعیت اعمال عملی یک فرد اصلاح نشود، نمی‌توان به چیزی دست یافت. زمانی در میان قوم یهود چیزی جز ادعاهای لفظی باقی نمانده بود و این ادعاها تنها چیزی بود که برای تکیه بر آنها باقی می‌ماند. آنها ادعاهای شفاهی بزرگی داشتند، با این حال قلب‌هایشان آلوده به افکار شیطانی و مسمومیت بود. همین امر سبب شد که خداوند مصیبت‌های گوناگون بر این امت نازل کرد و گرفتاری‌های بزرگی بر آنان وارد کرد و آنان را چنان ذلیل کرد که مانند خوک و میمون شدند». حضرت مسیح موعود علیه السلام در ادامه می‌فرمایند: «این نکته قابل تأمل است. آیا به تورات ایمان نداشتند؟ البته ایمان آوردند و به انبیا هم ایمان آوردند، ولی خدای سبحان از صرف سخنان آنها یا اظهار ایمان خشنود نبود، در حالی که دل‌هایشان با ادعایشان همسو نبود. آنها با سخنان خود ادعا می‌کردند، اما دل‌هایشان با آنچه می‌گفتند هماهنگ نبود.

در ادامه حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند: «یادتان باشد که اگر شخصی لفظاً ادعا کند که خدا یکی است و شریکی ندارد و به نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معتقد است و به سایر اصول ایمان معتقد است. اما این اعلانات محدود به کلام است و دل همسو نیست، آنگاه حرفی بیش نمی‌ماند. تا زمانی که صدا از قلب بلند نشود، اقوال کلامی کفایت نمی‌کند. انسان تنها زمانی به رستگاری می‌رسد که قلبش ایمان بیاورد که

مستلزم بیان عملی این مطالب است. تا آن زمان نمی‌توان به چیزی دست یافت.» تجسم عملی این چیزها به چه معناست؟ عمل به دستورات خداوند متعال است که در قرآن کریم به صراحت تصریح شده است.

حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند: «به راستی می‌گویم که هدف واقعی انسان زمانی محقق می‌شود که همه چیز را رها کرده و تماماً به سوی خدای متعال روی آورند و ایمان را واقعاً بر جهان برتری دهند». عهد صرفاً کافی نیست، بلکه باید عملاً ایمان را بر امور دنیوی مقدم داشت.

حضرت مسیح موعود علیه السلام در ادامه می‌فرمایند: «یادتان باشد که انسان می‌تواند به مردم دیگر فریب دهد و مردم را با دیدن اینکه فردی نمازهای پنج‌گانه می‌خواند یا کارهای نیک انجام می‌دهد فریب بخورد (مردم می‌بینند که شخصی نماز می‌خواند یا به مسجد می‌آید و اعانه تقدیم می‌کند. آن شخص را نیکوکار بدانند، مردم را می‌توان فریب داد، اما خداوند متعال فریب نمی‌خورد. به همین دلیل است که اعمال انسان باید خالصانه باشد (حتی کارهای عملی که انجام می‌دهد باید با نهایت اخلاص باشد. اخلاص به معنای انجام کاری صرفاً برای رضای خداوند متعال است). اینها انواع اقداماتی هستند که توانایی و تعالی را توسعه می‌دهند.

در ادامه حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند: «اکنون باید به خاطر داشت که باید معانی کلمه را که هر روز می‌خوانیم، درک کنیم. این عقیده به این معناست که شخص لفظاً تصدیق می‌کند و با قلب خود تصدیق می‌کند که عبادت او و معشوق و هدف او جز خداوند متعال نیست. قبلاً نیز به این موضوع اشاره شده است.

واژه اله به معشوق، هدف نهایی و هدف عبادت اشاره دارد. او باید محبوب ترین باشد، او باید هدف نهایی باشد که رسیدن به آن به جای رسیدن به مادیات، هدف انسان باشد. فقط او را باید بدون هیچ گونه شرک پنهانی پرستش کرد.

در ادامه حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند: «کلمه [اله] به محبوب، هدف نهایی و هدف عبادت اشاره دارد. این عقیده خلاصه ای از تمام معارف قرآن کریم است که به مسلمانان تعلیم داده شده است. از آنجایی که یادآوری کتابی به این بزرگی و وسیع آسان نیست (به یاد آوردن همه آنچه در قرآن آمده است آسان نیست)، این عقیده آموزش داده شد تا انسان همواره به اصل معارف اسلامی توجه داشته باشد. اصل چیست؟ [الا اله الا الله] است. عبادتی جز خدا نیست. او هدف نهایی، محبوب ترین است. تا زمانی که این واقعیت به انسان القا نشود، نمی‌توانند به رستگاری دست یابند. به همین جهت پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم فرمودند: لا اله الا الله دخل الجنة. یعنی: هر کس با اخلاص بپذیرد که معبودی جز الله نیست وارد بهشت می‌شود.

حضرت مسیح موعود علیه السلام ضمن تبیین این حقیقت که دیگران را می‌توان فریب داد، می‌فرمایند: «اگر مردم گمان کنند که تنها با تکرار کلماتی مانند طوطی می‌تواند به انسان اجازه ورود به بهشت را بدهد، پس اگر این تنها چیزی است که لازم است، همه اعمال باید انجام شود. بیهوده است (اگر برای ورود به بهشت تنها کاری که باید انجام دهد این است که بگوید معبودی جز الله نیست، تمام اعمال عملی از بین می‌رود). چه نیازی به این همه دستورات موجود در قرآن گسترده بود؟ در آن صورت خدای

ناکرده شریعت بیهوده می‌شود. اما این مورد نیست. بلکه واقعیت این است که معانی ذاتی باید وارد قلب انسان شود. وقتی چنین شد، آن شخص واقعاً وارد بهشت می‌شود.» وقتی انسان حقیقت معانی لا اله الا الله را فهمید، نه تنها پس از رحلت، وارد بهشت می‌شود، بلکه در همین زندگی نیز آن را تجربه می‌کند.

در نمونه‌ای دیگر، حضرت مسیح موعود علیه السلام در مجلسی مشابه آن را ذکر می‌کند که در روزنامه دیگری به تفصیل نقل شده است. حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند: «خداوند با الفاظ شریک نیست، با دل‌ها شریک می‌شود. این بدان معناست که کسانی که مراد از عقیده را در دل خود می‌گیرند و عظمت خداوند متعال در دل آنها ریشه می‌گیرد، سپس وارد بهشت می‌شوند. وقتی کسی به راستی اعتقادش را تصدیق کرد، کسی جز خدا نزد او محبوب نمی‌ماند (اگر کسی آن را به راستی بخواند، کسی را جز خدای متعال دوست نخواهد داشت). آنها جز خدا را نمی‌پرستند (هیچ کس دیگری را نمی‌پرستند حتی در پنهان). چیزی جز رضای خدا برایشان باقی نمی‌ماند که بخواهند. درجات ابدال و قطب و غوث همگی این است که به عقیده [لا اله الا الله] با تمام وجود ایمان داشته باشند و به معانی آن عمل کنند.»

سپس حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند: «درست است و انسان سریعاً در می‌یابد که اگر کسی جز خدای متعال معشوق و هدف دیگری نداشته باشد، هیچ درد و ناراحتی باعث ناراحتی او نمی‌شود. می‌فهمد که درد آنها نیز به خاطر خدای متعال است، پس نمی‌توانند او را غمگین کنند). آنها به دلیل این مشکلات نگران نیستند. آنها می‌دانند که خداوند متعال در

یاری دوستان خود سریع است و در بسیاری از مواقع، دل را آرام می‌کند.» وی ادامه می‌دهد که این رتبه ای است که به ابدال و قطب اعطا شده است. اگر هدف رسیدن به خداست نه دنیوی، دیگر جای نگرانی نیست. صحابه این را فهمیدند. این گونه نیست که فقط به قطب یا ابدال یا درجات خاصی داده شود، بلکه اکثر صحابه به این مرتبه رسیده اند. آنها این موضوع را فهمیدند، به همین دلیل است که خداوند متعال اصحاب را برای ما الگو قرار داده است.

همچنین حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند:

”ترک بت پرستی را کافی ندانید. حضرت مسیح موعود علیه السلام حتی پس از بیان اینکه این جایگاه بزرگی برای یک انسان معمولی است، توضیح دادند که صرفاً دست کشیدن از بت پرستی و ادعای عبادت خداوند متعال کافی نیست. حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند: «به خاطر داشته باشید که خودداری از بت پرستی امری پیش پا افتاده است. هندوهایی که هیچ اطلاعی از حقایق ندارند، اکنون بت پرستی را ترک می‌کنند. آنها از حقیقت خدا و یگانگی او غافلند، ولی از بت پرستی دست بر می‌دارند). شرک به خدا فقط به انسان و بت محدود نمی‌شود. (این امر منحصر به خودداری از پرستش اشیاء مادی مانند انسان و بت نیست، بلکه شامل سایر موجودات غیرجسمانی نیز می‌شود). همان گونه که خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است که امیال و تمایلات خودخواهانه نیز عبادت است. امیال و تمایلات نفسانی نیز هنگامی که در کنار خداوند متعال قرار می‌گیرند، مایهٔ عبادت ما می‌شوند و در نهایت ما را از لا اله الا الله دور می‌کنند. حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند: «کسی که تسلیم هواهای

نفسانی خود شود و از هوس‌های خود اطاعت کند تا آنجا که برای آنها جان می‌دهد، بت پرست و مشرک است. «لا» نه تنها موجودات دیگر را نفی می‌کند، بلکه همه و همه چیزهای پرستش را نفی می‌کند. وقتی ما لا اله الا الله را اعلام می‌کنیم، نه تنها عبادات مادی را نفی می‌کند، بلکه هر چیزی را می‌توان در کنار خداوند متعال قرار داد، نفی می‌کند. کسی که چیزی را برای خدای متعال قرار دهد، گواهی می‌دهد که به خدا ایمان ندارد.

حضرت مسیح موعود علیه السلام در ادامه می‌فرمایند: «پس باید بفهمیم که همه عبادات با اعلام لا اله الا الله نفی می‌شوند، خواه آن عبادات درونی باشند یا خارجی؛ مادی یا غیر مادی؛ بت‌هایی را که در دل و یا جسم خود پنهان کرده ایم. به عنوان مثال، کسی که تنها بر امکانات و توانایی‌های آنها تکیه کند، برای خود بت ساخته است. چنین بت پرستی میزبان خود را مانند سل ریوی مبتلا می‌کند و آنها را از درون نابود می‌کند. بت‌های مادی و آشکار به راحتی قابل شناسایی هستند و به همان اندازه به راحتی قابل انکار هستند. من مشاهده کرده ام که صدها هزار نفر از آنها چشم پوشی کرده اند و به این کار ادامه می‌دهند. آیا بسیاری از مسلمانان از این کشوری که زمانی پر از هندوها بود بیرون نیامده اند؟ (کسانی که مسلمان شده بودند روزگاری بت پرست بودند). آیا بت پرستی را ترک نکرده اند؟ گروه‌های زیادی از مردم هندو (همانطور که قبلاً ذکر شد) که بت‌ها را نمی‌پرستند، ادامه می‌دهند. با این حال، مفهوم بت پرستی به همین جا ختم نمی‌شود. در واقع، ممکن است کسی بت پرستی را که آشکار است ترک کرده باشد، اما هزاران بت وجود دارد که مردم به آنها می‌چسبند. حتی کسانی که فیلسوف و منطق دان محسوب می‌شوند، نمی‌توانند این بت‌ها را بیرون کنند.» چنین فیلسوفان و روشنفکرانی مشتاقانه فلسفه‌ها و

استدلال‌های خود را به نمایش می‌گذارند، اما بت‌ها نیز در دل‌هایشان ساکن هستند. غرور آنها از دانش تبدیل به بت آنها شده است. عقاید آنها بت آنها شده است و نمی‌توانند آنها را از بین ببرند.

در ادامه حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند: «حقیقت این است که چنین هجومی بدون لطف خداوند متعال از درون رفع نمی‌شود، زیرا این هجوم عمیق است و ضرر و زیان فراوانی به میزبان وارد می‌کند. کسانی که تحت تأثیر هوس‌های درونی خود از حقوق خداوند متعال و حدود او دست بردارند و در این راه از حقوق مخلوق او غافل شوند، نمی‌توان دانا شمرد. هزاران نفر را می‌یابی که عالم و روشنفکر و متکلم و اولیای الهی به شمار می‌آیند، اما با وجود این، آنها نیز به همین هجوم مبتلا می‌شوند». اگر کسی حقوق بشر را ادا نکند، معنای لا اله الا الله را نیز فراموش کرده است. شجاعت واقعی مستلزم ترک چنین بت‌هایی است. آن شخصیت‌های تأثیرگذار که شما آنها را باتقوا می‌دانید، بت‌هایی نیز در درون خود نهفته‌اند. شجاعت واقعی مستلزم ترک این بت‌ها و ادای حق الله و بشریت است. تنها در این صورت است که می‌توان به معنای واقعی لا اله الا الله پی برد. این شجاعت واقعی است و کسی که بتواند اینها را تشخیص دهد واقعاً باهوش و عاقل است.

حضرت مسیح موعود علیه السلام در ادامه می‌فرمایند: «این بت‌ها عامل اصلی دشمنی متقابل هستند که به دنبال آن به درگیری و خونریزی منجر می‌شود. یک مرد مجرد حق برادرش را غصب می‌کند و جای خود را به هزاران هزار شر می‌دهد. چنین اتفاقاتی هر روز و در هر لحظه رخ می‌دهد.

به وسائل مادی آنقدر زیاد استناد می‌شود که در مقایسه، خداوند متعال را عضوی بی اثر می‌دانند.

حضرت مسیح موعود علیه السلام در ادامه می‌فرمایند: «کمترین کسانی هستند که معنای واقعی وحدانیت خدا را درک کرده باشند. اگر از مردم در این زمینه سؤال شود، فوراً به اعتراض و استناد به مسلمان بودنشان می‌پردازند و می‌گویند که آیا ما کلمه نمی‌خوانیم. با این حال، مایه تأسف است که آنها معتقدند که فقط خواندن کلمه کافی است. من با قاطعیت می‌گویم که اگر کسی حقیقت را در پشت آن کشف کند به کلمه طیبه عملاً پایبند باشد، می‌تواند به پیشرفت‌های بزرگی دست یابد و شاهد قدرت‌های خارق العاده و حیرت انگیز خداوند متعال باشد. این موضوع را با دقت در نظر بگیرید که من نه به عنوان یک نصیحت کننده معمولی در این موقعیت هستم و نه یک داستان نویس. بلکه برای شهادت و ابلاغ پیامی که خداوند متعال به من داده است، موضع گرفته‌ام. من نگران شنیدن یا پذیرش این پیام نیستم. در مورد آن پاسخگو خواهید بود من باید به تعهدم عمل کنم. می‌دانم که اگرچه افراد زیادی وارد جماعت من شده‌اند و به وحدانیت خدا گواهی داده‌اند، اما با تأسف باید بگویم که واقعاً به آن اعتقاد ندارند. من نمی‌توانم یقین داشته باشم که کسی که حق برادرش را غصب کند، خیانت کند یا به بدی‌های دیگر پردازد، به وحدانیت خدا ایمان دارد، زیرا این نعمتی است که با رسیدن به آن، دگرگونی فوق العاده‌ای می‌یابد. (کسی که به وحدانیت خدا ایمان دارد باید دچار تحول شود). خداوند متعال این گونه افراد را دوست دارد و بت‌های کینه توز و کینه و حسد و محبت نمی‌توانند در وجودشان باقی بماند. این دگرگونی تنها زمانی رخ می‌دهد که

فرد به وحدانیت خدا پیوسته است. تا زمانی که چنین بت‌هایی در درون خود باقی نماند، چگونه می‌توان آنها را در اعلام لا اله الا الله صادق دانست؟ بنابراین، در این ماه رمضان، هر یک از ما باید تلاش کنیم تا خود را از این بت‌ها پاک کنیم تا بتوانیم معنای واقعی لا اله الا الله را بفهمیم و به آن ایمان بیاوریم. در ادامه مسیح موعود علیه السلام می‌فرماید: «چون این امر مستلزم ترک وابستگی [به چیزهای دیگر] است، این امر ثابت شده است که گفتن این که «خدا واحد است و شریکی ندارد» فایده‌ای ندارد. نفری شفاهی کلمه را می‌خواند اما وقتی با موضوعی مواجه می‌شوند که تضاد منافع است، تسلیم خشم و عصبانیت خود می‌شوند. من مکرراً می‌گویم که همیشه باید توجه داشت که تا زمانی که این عبادات پنهان وجود دارد، نمی‌توان امیدوار بود که به درجه‌ی یک مؤمن واقعی به وحدانیت برسد، همانطور که نمی‌توان از طاعون محافظت کرد. همانطور که موش‌ها به زمین حمله می‌کنند. تا زمانی که این هجوم موش‌ها (یعنی هجوم گناهان) ادامه دارد، ایمان انسان در امان نیست. به سخنان من دقت کنید و به آنها عمل کنید. بنابراین، به طور خلاصه، جمله یعنی خدای متعال را به عنوان یگانه شایسته پرستش، محبوب و هدف نهایی بشناسیم. این مقام تنها زمانی حاصل می‌شود که انسان خود را از تمام رذیلت‌های درونی پاک کند و بت‌هایی را که در دل اوست از بین ببرد.

خداوند متعال به ما توفیق دهد که در روزهای باقیمانده از ماه مبارک رمضان، با تلاش و دعای خاص، تمام رذیلت‌های درونی خود را برطرف کنیم. باشد که از هر گونه شرک پنهان [شریک دادن به خدا] مصون بمانیم و همه بت‌ها را از درون خود دور کنیم. باشد که خداوند متعال تنها عبادت

ما، هدف نهایی و محبوب ما باشد. باشد که به حقیقت لا اله الا الله پی ببریم و با اعلام لا اله الا الله الگوی زیبا و عملی را که پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم برای ما قرار داده اند، در پیشگاه خود بیابیم. همه اینها بدون لطف خداوند متعال محقق نمی‌شود. برای جلب لطف خداوند متعال، هم با عمل و هم با معنویت باید مجاهدت و تلاش کنیم.

در ده روز آخر ماه مبارک رمضان، مردم غالباً از لیلۃ القدر سخن می‌گویند، اما تنها زمانی می‌توان لیلۃ قدر را به طور واقعی تجربه کرد که آماده باشد هر گفتار و کردار خود را مطابق با دستورات خداوند تغییر دهد. خداوند متعال همیشه بر این اساس عمل کنید و سپس این تغییری دائمی در زندگی آنها ایجاد کنید. به راستی این نشانه واقعی رسیدن به لیلۃ القدر است. اینکه کسی نوری را دیده، شاهد یا تجربه یک چیز خاص بوده یا باران ظاهر شده یا عطر خاصی را تجربه کرده است، و غیره، همه نشانه‌های موقتی است. نشانه واقعی تجربه لیلۃ قدر زمانی است که در دل انسان دگرگونی رخ دهد. برخی از جماعت‌ها با توجه به آنچه عرض کردم، برنامه‌های ویژه ای برای نماز گذاشته اند که اگر سه روز خالصانه نماز بخوانیم، می‌توان از نعمت‌های خاص خداوند متعال بهره مند شد. اگر این سه روز فقط به نماز وقف شود و بعداً به روال قبلی خود برگردیم و هدف واقعی کلمه را فراموش کنیم، باید به یاد داشته باشیم که خداوند متعال به حال و احوال دلها و نیت ما آگاه است. چیزی بر او پوشیده نمی‌ماند و این هیچ سودی نخواهد داشت.

اگر می‌خواهید این روزها را به نیت رضای خداوند متعال به نماز بگذرانید، باید با عهد این روزها را به عادت همیشگی زندگی خود تبدیل کنید. در

نتیجه خداوند متعال برای رفع سختی‌هایی که از سوی مخالفان بر ما وارد می‌شود، ان‌شاءالله حمایت و یاری خاص خود را نشان خواهد داد. و بر اساس وعده الهی خود، خداوند متعال ولی ما خواهد بود و ما تماماً وقف او می‌شویم. به هر حال من این را هم عرض کردم که اگر هر یک از اعضای جماعت بدون هیچ استثنایی این تغییر را در خود ایجاد کند، می‌تواند یک تحول انقلابی ایجاد کند. پس این را هم باید به خاطر داشت که اگر چنین تحولی در درون خود القا نمی‌شود، کسانی که این برنامه‌ها را تشکیل داده‌اند، نباید بعد از سه روز فکر کنند که خدای ناکرده دعایشان شنیده نشد یا تغییر انقلابی رخ نداد. در حقیقت، خداوند متعال به حضرت مسیح موعود علیه السلام را وعده داده است که به زودی یا پس از مدتی پیروزی را به او و جماعتش عطا کند. در واقع، اگر ما یک تغییر انقلابی در درون خود ایجاد کنیم. تنها خدای متعال را بپرستید و او را تنها هدف و محبوب ما قرار دهید و روح واقعی لا اله الا الله را درک کنید. اگر محبت خود به خداوند متعال و دستیابی به او را بر عشق به دنیا مقدم بدانیم، می‌توانیم این تحول انقلابی را زودتر به وجود آوریم. خداوند متعال به هیچ چیز وابسته نیست و در وعده‌هایش شرایط خاصی دارد [که باید وفا شود]. بنابراین، ما باید متعهد شویم که یک تغییر دائمی را در درون خود ایجاد کنیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند که ده روز آخر ماه مبارک رمضان برای در امان ماندن از آتش جهنم است. همچنین همان گونه که گفته شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند هر که کلمه را به راستی از دل بخواند، یعنی: لا اله الا الله محمد رسول الله چنین شخصی از آتش دوزخ محفوظ است. بنابراین، همه این جنبه‌ها توجه ما را به این واقعیت جلب می‌کند که یک فرد نیاز به تلاش عملی به صورت

دائمی دارد. حضرت مسیح موعود علیه السلام نیز به این مطلب اشاره کرده و من به تفصیل توضیح دادم که در کنار خواندن کلمه لا اله الا الله و سپس محمد رسول الله نیز لازم است عملاً به این نیز پایبند باشید. بنابراین، برای بهره مندی حداکثری از این ده روز پایانی ماه مبارک رمضان و برای نیل به لیلة القدر (شب قدر) باید اطمینان حاصل کنیم که کلمه: لا اله الا الله محمد رسول الله باید از اعماق قلب و ذهن ما طنین انداز شود. همانطور که حضرت مسیح موعود علیه السلام فرموده اند، ما باید در هر عمل خود به این امر پایبند باشیم. خداوند متعال به ما توفیق دهد که زندگی خود را بر این اساس پیش ببریم. در این ایام برای دنیا به طور کلی دعا کنید که خداوند متعال به آن آرامش و پایداری عنایت فرماید. خداوند متعال رحمت و برکت خود را بر بشریت عنایت فرماید.